

بررسی مشروعیت عبادات کودکان از دیدگاه فقه امامیه^۱

دکتر محمد رضا محمدزاده رهنی*

حسن فریدی**

چکیده :

بحث مشروعیت عبادات اطفال یکی از سؤالات مهم در مباحث فقهی بوده و فقهای عالیقدر شیعه درباره آن آرای متفاوتی ابراز کرده‌اند. از آنجا که کودکان همچون زمین حاصل‌خیزی هستند که تربیت صحیح آنها موجب سعادت و تربیت ناصحیح موجب شقاوت خواهد بود، لازم است تا والدین با توجه به آموزه‌های دینی به تربیت آنها توجه نموده و همت گمارند. یکی از آموزه‌های شرعی درباره کودکان آشنا کردن و وادار نمودن آنها به عبادات و مخصوصاً نماز است و مسلماً پاسخ به این سؤال که آیا این عبادات مشروعیت دارد یا خیر می‌تواند تأثیر بسزایی در انگیزه کودک در انجام عبادات و نیز ارائه چهره‌فقهی مناسب در این مسأله داشته باشد. در این مقاله اثبات کرده‌ایم که عبادات کودکان دارای امر شرعی بوده و مشروعیت و استحباب شرعی دارد. در این رابطه به دلیل‌هایی همچون عمومیت ادله تکالیف، عمومات و اطلاعات غیرتکلیفی که دلالت بر تشویق و کسب ثواب دارند، آیاتی از قرآن که دلالت بر عدم تزییع پاداش کسانی که عمل خوبی را انجام دهند، مؤثر بودن عبادات طفل به مانند برخی فعالیت‌های حقوقی او، روایاتی که مستقیماً کودک را امر به عبادت کرده و یا مشروعیت عبادت او را پذیرفته است و نیز دلیل عقل و قاعده لطف استناد شده است. بنابراین وجوب عبادات در حق کودک از باب امتنان از کودک برداشته شده و مشروط به بلوغ گردیده‌است اما استحباب و مشروعیت آنها باقی است.

کلیدواژه: کودک، عبادت، مشروعیت، استحباب، امتنان، تکلیف.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۶

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان-rahni@iau-shirvan.ac.ir

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان

مقدمه

مبحث مشروعیت عبادات اطفال همواره یکی از سؤالات اصلی فقه امامیه بوده است. اینکه آیا عبادات اطفال از نظر فقهی و شرعی استحباب و مشروعیت دارد؟ بدین معنا که فقط وجوب و الزام در عبادات از کودکان برداشته شده ولی استحباب و مشروعیت همچنان باقی است که در این صورت کودکان با انجام عبادات پاداش این اعمال را به عنوان یک عمل مستحب دریافت خواهند کرد؛ ذکر این نکته لازم است که طبق مطلب قبلی نتیجه مشروعیت عبادات کودکان، استحباب و مندوبیت بوده و نتیجه استحباب این عبادات ترتب ثواب و پاداش است، بنابراین ترتب ثواب بر عبادات کودکان فقط در صورت اثبات استحباب شرعی آن امکان پذیر است.^۱ (شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ۲۶؛ همان، الدروس الشرعیه، ۱، ۲۶۸) یا اینکه عبادات در مورد کودکان صرفاً جنبه تمرینی داشته و دارای هیچ مشروعیت یا استحبابی نیست که در این صورت کودک در قبال انجام عبادات پاداش و ثوابی دریافت نمی کند؛ نهایت اینکه می توان گفت: ولی کودک به جهت وادار کردن کودک به عبادت ثواب و پاداش دریافت خواهد کرد و یا در نظریه سوم معتقد شویم که عبادات کودکان جنبه تمرینی دارد ولی همین تمرین دارای پاداش خواهد بود. در هر حال از این نظریات یا نظریات دیگری در این باب و قبول هر یک از این آراء در فقه امامیه دنیای جدیدی فراروی کودکان و مخصوصاً جنبه عبادات آنها گشوده می شود.

چنان که می دانیم کودکان دارای روح بسیار لطیف، و دنیایی پاک و بی آلایش بوده و همچون زمین حاصلخیزی هستند که اگر بذر نیکی و سعادت در آن پاشیده شود به رستگاری و چنانچه بذر پلیدی و زشتی در آن افکنده شود به شقاوت منتهی خواهد شد.

آموخته های دنیای کودکی ماندگارترین و پایدارترین آموخته های انسان در تمام عمر او است بنابراین باید برای این دوران بسیار مهم برنامه ای ویژه داشت و سرمایه گذاری بیشتری برای این دوران جهت سعادت مند شدن کودکان در دوران بعدی زندگی انجام داد. دین مبین اسلام نیز به این

^۱ . لایجب الصوم علی الصبی و ان اطاق نعم یمرن علیه لسبع و یشدد علیه لتسع و یكون صوماً شرعياً بمعنی استحقاق الثواب و دخوله فی اسم الصائم.



مطلب توجه کامل داشته و با اینکه تکلیف را از کودکان برداشته اما همواره به تربیت کودکان همت گمارده و برنامه‌های ویژه تربیتی خود را مرحله به مرحله ارائه کرده و اولیاء کودکان را موظف به توجه نموده است.

یکی از مهمترین برنامه‌های تربیتی اسلام آشنا کردن کودکان با عبادات است و چنان که در آینده خواهیم گفت؛ روایات متعددی نیز در این زمینه از معصومین (ع) به ما رسیده است؛ بر اساس این روایات والدین موظفند کودکان خود را از سنین خردسالی با عبادات و مخصوصاً نماز آشنا کرده و آنها را به انجام این عبادت وادار کنند.

مهمترین سؤالی که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم این است که نظر فقه اسلام درباره مشروعیت و استحباب عبادات کودکان چیست و آیا اسلام عبادات اطفال را به عنوان عمل مستحب پذیرفته یا فقط به دید تمرین به آن می‌نگرد؟

چنانکه می‌دانیم تکالیف الزامی اعم از وجوب و حرمت برای کودک ثابت نیست؛ اگرچه ممیز باشد چون ثبوت تکالیف با بلوغ شروع می‌شود حتی در جواهرالکلام گفته شده که ثبوت تکلیف از زمان بلوغ از ضروریات مذهب است. (نجفی، جواهرالکلام، ۱۱، ۲۵۸)

اکنون سؤال این است که آیا عبادات کودک مشروعیت دارد یا خیر؟ بدین معنا که عبادات صبی از نظر شرع پذیرفته و قابل قبول است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا عبادات کودک پس از رفع وجوب، استحباب و مندوبیت دارد یا خیر؟ به گونه‌ای که بر اتیان آن عبادات اطاعت و امتثال اوامر مولوی استحبابی صدق کند و متصف به صحت شود و در برابر اتیان این اوامر برای کودک اجر و ثواب منظور شود و در صورت قبول نیابت غیر در اتیان عبادات، این عبادت صحیح باشد.

اما اگر عبادات در حق کودک مشروعیت نداشته باشد در این صورت کودک نمی‌تواند این عبادات را اطاعت و امتثال اوامر مولوی بجا بیاورد و در صورتی که چنین کند تشریح حرام خواهد بود. (بحرانی، حدائق الناظره، ۱۳، ۵۳؛ عاملی، مفتاح الکرامه، ۲، ۶۹؛ بجنوردی، قواعد الفقهی، ۴، ۱۰۹)

اقوال فقهاء در این مسأله

فقیهان عالیقدر شیعه در این باره سه نظریه مهم بیان داشته‌اند که عبارتند از:

- ۱- عبادات کودک مشروعیت دارد.
- ۲- عبادات کودک حالت تمرینی دارد.
- ۳- عباداتش صحیح است اما مشروعیت ندارد.

نظریه اول: عبادات کودک مشروعیت دارد

قول اول قول مشهور فقهای شیعه است. شیخ طوسی در مبسوط آورده است: «هرگاه کودک نیت روزه کند روزه او صحیح است و روزه او روزه کامل شرعی خواهد بود.»^۱ (طوسی، المبسوط، ۲۷۸، ۱) و نیز در کتاب نهاییه می‌فرماید: «مستحب است که کودکان را به روزه گرفتن وادار کرد اگر به نه سال رسیده و طاقت روزه گرفتن دارند؛ اگرچه روزه گرفتن بر آنها واجب نیست.»^۲ (طوسی، النهایه، ۱۴۹) و در کتاب تذکره می‌فرماید: آیا نماز کودکان مشروعیت دارد؟ مشهور همین نظر را دارند.^۳ (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۳۳۱، ۲) در بخش صوم می‌فرماید: «هیچ خلافی بین علماء در مشروعیت روزه کودکان وجود ندارد.»^۴ سپس می‌فرماید: «قول بهتر آن است که روزه کودکان مشروعیت دارد و از نظر شرعی صحیح است و نیت روزه از طرف آنان صحیح است البته باید نیت استحباب کنند.»^۵ (همان، ۶، ۱۰۱)

محقق حلی می‌فرماید: «نیت کودک ممیز صحیح است و روزه او مشروعیت دارد.»^۶ (محقق حلی، شرایع الاسلام، ۱۸۸، ۱؛ همان، مختصرالنافع، ۱۳۳)

شهید اول نیز در کتاب‌های خود مشروعیت روزه کودک را پذیرفته و آن را مستحق ثواب و پاداش دانسته است.^۷ (شهید اول، اللمعه دمشقیه، ۲۶؛ همان، الدروس الشرعیه، ۲۶۸، ۱)

^۱ و الصبی اذا نوى صح ذلك و كان صوماً شرعياً.

^۲ و يستحب ان یؤخذ الصبیان بالصیام اذا اطاقوه و بلغوا تسع سنین و ان لم یکن ذلك واجباً علیهم.

^۳ وهل صلاته شرعیه معتد بها؟ المشهور ذلك

^۴ يستحب تمرین الصبی بالصوم اذا اطاقوه و حده الشیخ (ره) ببلوغ تسع سنین و تختلف حاله بحسب المکنه و الطاقه و لاختلاف بین العلماء فی مشروعیه ذلك لان النبی(ص) امر ولی الصبی بذلك.

^۵ الاقرب ان صومه صحیح شرعی و نیته صحیحه و بنوی الندب.

^۶ نیه صوم الصبی منعقدہ و صومه شرعی.

^۷ لایجب الصوم علی الصبی و ان اطاق نعم یمرن علیه لسبع و یشدد علیه لتسع و یكون صوماً شرعياً بمعنی استحقاق الثواب و دخوله فی اسم الصائم.



صاحب حدائق نیز نیت کودک ممیز را صحیح و عبادات او را شرعی می‌داند. (بحرانی، حدائق الناضره، ۱۳، ۵۳)

شهیدثانی مشروعیت نماز کودک را پذیرفته و نیت کودک را مبنی بر وجوب یا استحباب به انتخاب خود کودک دانسته است.^۱ (شهیدثانی، شرح المعه، ۱، ۵۷)

همچنین در باب روزه کودک می‌فرماید: «روزه کودک ممیز شرعی است؛ دروس نیز به همین مطلب تصریح کرده‌است، زیرا صحت به معنی تمامیت عمل بر وفق امر شرعی است؛ بنابراین مشروعیت نیز دارد.»^۲ (شهیدثانی، شرح المعه، ۲، ۱۰۱-۱۰۲)

البته خود شهیدثانی سپس در مشروعیت روزه کودک تردید کرده و قول به عدم مشروعیت را بیان نموده است.^۳ (شهیدثانی، شرح المعه، ۲، ۱۰۱-۱۰۲)

علامه‌حلی در کتاب مختلف عبادات کودک را تمرینی دانسته زیرا تکلیف مشروط به بلوغ است و چون کودک به بلوغ نرسیده عبادات او شرعی نیست. (علامه‌حلی، المختلف، ۲۱۶)

صاحب مدارک پس از بیان نظر علامه حلی می‌فرماید: «این استدلال قابل مناقشه است زیرا عقل تعلق خطاب به کودک ممیز را می‌پذیرد و تکالیفی که از کودک برداشته شده تکالیف حرام یا واجب است ولی تکلیف به عمل مستحب نه از نظر شرع و نه از نظر عقل مانعی ندارد و چون این تکالیف به صحت و فساد وصف شده‌اند خود نشان‌دهنده شرعی بودن آن است زیرا اگر شرعی نبودند قابل وصف به صحت و فساد هم نبودند.» (عاملی، مدارک الاحکام، ۶، ۴۲)

ادله مشروعیت عبادات کودک

قبل از اینکه نتیجه‌گیری خاصی درباره نظریات مطرح شده در باب مشروعیت یا عدم مشروعیت عبادات کودکان داشته‌باشیم لازم است که ادله طرفین را مورد بررسی قرار داده تا مشخص شود در این رابطه کدام ادله محکم‌تر و قابل اعتمادتر می‌باشد. بنابراین ابتدا به بررسی ادله قول مشهور

^۱ ویمرن الصبی علی الصلاه لست و یضرب علیها لتسع و روی لعشر و یتخیر بین نیه الوجوب و الندب و ان کان الندب اولی.

^۲ یعلم منه ان صوم الممیز صحیح فیکون شرعياً و به صرح فی الدروس لان الصحه هی تمامیه العمل وفق الامر الشرعی فالحکم بالصحه مستلزم للحکم بالشرعیه.

^۳ و یمكن الفرق بان الصحه من احکام الوضع فالاتقتضی الشرعیه و الاولی کونه تمرینياً لاشرعياً

فقهاء پرداخته و سپس ادله دیگر را نیز مطرح و بررسی می‌کنیم:

(۱) عمومات و اطلاقات تکالیف:

دستورات و اوامری که بیان کننده تکالیف هستند تخصیص نخورده و مقید نشده‌اند و هم شامل بالغین و هم شامل کودکان می‌شوند؛ مانند آیه شریفه: «اقیموا الصلاه» (بقره، ۴۳) و آیه شریفه «... فمن شهد منكم الشهر فليصمه...» (بقره، ۱۸۵)

اکنون می‌توان گفت: تکالیف وجوبی به بلوغ تخصیص خورده‌اند اما تکالیف‌های مستحبی چنین تخصیصی ندارند و عقلاً و شرعاً مانعی از شمول آنها در مورد کودکان وجود ندارد. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۱۲، ۴؛ عاملی، مدارک الاحکام، ۴۲، ۶)

برخی ادعای انصراف این ادله به بالغین را کرده‌اند. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۵، ۲) آیت الله بجنوردی در القواعد الفقهیه در جواب این مناقشه می‌فرماید: «دعوی انصراف ادله به بالغین صحیح نیست؛ زیرا شارع مقدس در قانونگذاری و رساندن احکام به مکلفین با عرف هم روش است و می‌دانیم که عرف بین انسان بالغ و انسانی که زمان کمی به بلوغش مانده فرقی نمی‌گذارد و این دو را به یک صورت مورد خطاب قرار می‌دهد پس این ادعا که عمومات تکالیف فقط شامل افراد بالغ می‌شود و غیربالغین را شامل نمی‌شود ادعایی بدون دلیل است.» (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱۱۲، ۴-۱۱۳)

همچنین آیت الله فاضل لنکرانی می‌فرماید: «ادعای انصراف عمومات و ادله تکالیف به بالغین اصلاً قابل مطرح شدن نیست؛ البته ادله‌ای که تکالیف وجوبی یا امور حرام را بیان می‌دارد تخصیص به بالغین دارند اما هیچ تخصیصی در مورد بقیه احکام در مورد بالغین ثابت نشده است. (فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۴۷)

اشکال دیگری که بر این ادله وارد شده حدیث رفع القلم است که بیان می‌دارد: قلم تکلیف از کودک برداشته شده است و هیچ تکلیفی برای او نوشته نشده است چه تکلیف وجوبی باشد و چه استحبابی. بنابراین کودک قبل رسیدن به بلوغ به هیچ تکلیفی اعم از وجوبی و استحبابی مکلف نیست و بنابراین دلیلی برای قائل شدن به مشروعیت عبادات اطفال وجود ندارد. (خوئی، مبانی

منهاج الصالحین، ۶، ۱۷۶)

به این اشکال نیز می‌توان به اینگونه پاسخ داد که برداشته شدن تکلیف از کودک امتنانی بوده و از باب امتنان و لطف بوده است و این بدین معنا است که مؤاخذه و عذاب از کودک برداشته شده است؛ بنابراین محبوبیت اعمالی که کودک انجام می‌دهد مانند عبادات باقی می‌ماند و همین برای مشروعیت عبادات اطفال کافی است. به عبارت دیگر حدیث رفع القلم فقط الزام را برداشته است و چنانچه فردی در شرایط عسر و حرج اقدام به اتیان تکلیف کند از او پذیرفته بوده و حتی ثواب بیشتری هم خواهد داشت. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۴، ۱۱۳؛ بحرانی، حقائق الاصول، ۱، ۳۴۲)

۲) عمومات و اطلاقات غیر تکلیفی

عمومات و اطلاقاتی وجود دارد که تشویق به انجام عبادات می‌کنند و تخصیص یا تقیید به بالغین در آنها دیده نمی‌شود. مانند روایت: «الصلاه قربان کل تقی» نماز وسیله تقرب به خداوند برای انسان پرهیزگار است. چنانکه دیده می‌شود این روایت مقید به انسان‌های بالغ نشده و بلکه بر عکس تصریح دارد که تقرب به خدا برای هر انسان باتقوایی به وسیله نماز حاصل می‌شود چه بالغ باشد و چه نباشد. (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۳، ۳۰) و نیز مانند روایت «الصوم جنه من النار» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۷، ۲۹۸) روزه سپر آتش است در این روایت نیز تقیید یا تخصیصی بر بالغین دیده نمی‌شود پس شامل کودکان نیز می‌شود و چنانکه برخی از فقها نیز نتیجه گرفته‌اند با توجه به این روایات می‌توان بر مشروعیت عبادات کودکان استدلال کرد. (محقق داماد، کتاب الصلاه، ۱، ۴۱۷)

۳) عمومات و اطلاقاتی که دلالت بر ترتب ثواب دارند:

این عمومات و اطلاقات نیز تقیید یا تخصیص به بالغین نشده‌اند؛ مانند آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...» یعنی «هر کس یک عمل نیک انجام دهد ده برابر به او پاداش داده می‌شود.» (انعام، ۱۶۰) و نیز مانند روایت «من صام ذلک الیوم-ای سبعة و عشرين من رجب- کتب الله له صیام ستین شهرا» «هر کس آن روز یعنی ۲۷ رجب را روزه بگیرد، خداوند برای او



ثواب شصت روز، روزه را می‌نویسد.» (کلینی، الکافی، ۱۴۹، ۴؛ حرعاملی، وسایل الشیعه، ۳۳۰، ۷) چنان که گفتیم این نصوص غیربالغین را هم شامل می‌شود.

آیت الله فاضل لنکرانی در تکمیل این دلیل می‌فرماید: سیاق اینگونه عمومات مانند: «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» است همانگونه که عمومات «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» اختصاص به بالغین ندارد عمومات عبادات نیز اختصاص به بالغین نخواهد داشت. (فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۴۷)

۴) آیاتی که بر عدم تزییع پاداش عمل خوب دلالت دارد.

مانند آیه «... إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» «...ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم.» (کهف، ۳۰)

و آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ...» «هر که کارشایسته کند به سود خود اوست...» (فصلت، ۴۶) و آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّخْضَرًا...» «روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد...» (آل عمران، ۳۰)

اینگونه آیات نیز هم شامل بالغین و هم شامل غیربالغین می‌شود و بلکه می‌توان گفت این نسبت به عمومات دیگر امتیازی دارد و آن اینکه متن این آیات از پذیرش تخصیص یا تقیید نسبت به بالغین امتناع و ممنوعیت دارد زیرا تصریح دارد که اجر و ثواب هیچ فردی تزییع نخواهد شد پس اگر کودک نیز فعل خوبی مثل صلاه را انجام دهد بر فعل او فعل حسن صدق می‌کند و بنا به صریح این آیات خداوند اجر و ثواب آن را تزییع نخواهد کرد و این مستلزم مشروعیت عبادات کودک است.

دلالت به این آیات، ایراد وارد شده و آن دلالت حدیثی است که ظاهراً با دلالت این آیات منافات دارد و آن حدیث عبارت است از: «عمد الصبی و خطاه واحد» «افعال عمدی کودک و اعمال خطایی او با هم مساوی است.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۳۰۷، ۱۹)

این حدیث دلالت دارد بر این که افعال عمدی کودک که شامل عبادات نیز می‌شود مانند خطا می‌باشد و همانطور که اعمال خطایی انسان بالغ فاقد قصد بوده و بدون توجه انجام می‌گیرد،



افعال عمدی کودک نیز فاقد قصد و توجه بوده و بنابراین ارزش و اعتبار ندارد و شرعی نخواهد بود. اما واقع این است که این روایت بر معنایی که از آن قصد شده دلالتی ندارد؛ زیرا این روایت در مورد جزئیات و امور مربوط به جرائم می‌باشد و دلیل این مطلب این است که برخی امور حقوقی و مدنی کودک مشروعیت دارد و صحیح است؛ مانند: قبول هدیه و اخذ آن - حیات مباحات، بنابراین عبادات او نیز می‌تواند مشروعیت داشته باشد که ادله قبلی نیز این مطلب را اثبات کرد.

۵) روایاتی که مستقیماً دلالت بر امر کردن کودکان بر صلاه و صیام دارند:

مانند: «انا نامر صبیاننا بالصلاه اذ اکانوا نبی خمس سنین، فمروا صبیانکم بالصلاه اذ کانوا نبی سبع سنین.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۳، ۱۲) (ما فرزندانمان را از پنج سالگی امر به نماز می‌کنیم پس شما نیز کودکانتان را از هفت سالگی به نماز وادار کنید.) این روایت دلالت بر امر کردن کودکان به صلاه و صوم ... دارند و عملی که امر شرعی داشته باشد صحیح نیز خواهد بود. البته قرینه دال بر ترخیص و اجازه ترک برای کودکان وجود دارد. یعنی کودکان مجبور به انجام عبادات نیستند و می‌توانند انجام ندهند اما اگر انجام دادند عمل آنها مطابق امر شرعی بوده و مشروعیت و مقبولیت خواهد داشت. (عراقی، نه‌ایه‌الافکار، ۱، ۳۹۹؛ خویی، مبانی منه‌اج‌الصالحین، ۶، ۱۷۵؛ بحرانی، الحدائق‌الناضره، ۱۳، ۵۵)

آیت‌الله‌خویی در تأیید این مطلب می‌فرماید: «عمده دلیل اثبات مشروعیت اطفال و اینکه این عبادات صوری و تمرینی نیست همین دسته اخبار و روایات است که دلالت بر تعلق امر شرعی بر عبادات کودکان دارد. (خویی، الصوم، ۲۱، ۵۰۲) برخی بر این دلیل ایراد وارد کرده و گفته‌اند: این روایات دلالت بر تحقق تمرین دارند یعنی دلالت دارند بر اینکه والدین باید کودکان را برای نماز خواندن تمرین بدهند و آنها را به این امر آشنا سازند و عادت دهند تا هنگامی که به سن بلوغ رسیدند نماز خواندن برای آنها امری طبیعی و ساده باشد و دچار مشکل نگردند پس این گروه روایات دلالت بر تمرین کردن کودکان دارد ولی صلاه شرعی از آنها واقع نخواهد شد.

در جواب این اشکال گفته‌شده: اصل اولی در اوامر، تحقق مصلحت در متعلق امر است و خلاف این مطلب نیازمند دلیل است و متعلق امر در این مورد خود صلاه و صوم کودک می‌باشد



پس مصلحت نیز در اتیان آنها وجود خواهد داشت. (فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۵۶؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۷، ۳۶۱؛ مراغه‌ای، العناوین، ۲، ۶۶۷)

از طرف دیگر نمی‌توان تمام هدف و غرض این دسته روایات را فقط تمرین کودکان دانست بلکه هدف این روایات مشروعیت عبادات صبی و صحت آنها و تعلق اجر و پاداش به آن است. روایات دیگری نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. مانند روایت: «إذا أتى علی الصبی ست سنین و جب علیه الصلاه - ای ثبت - و اذا اطاق الصوم و جب علیه الصوم.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۳، ۱۲)

از مجموع این روایات و روایات پایانی که در آنها از عبارت وجوب صلاه برای کودک استفاده شده، مصلحت داشتن عبادات کودکان، مشروعیت و صحت آنها استفاده می‌شود. البته باید گفت: این عبادات تا سن بلوغ برای آنها الزامی نخواهد بود اما مشروعیت و صحت و مصلحت آن باقی است. (فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۵۶؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۷، ۳۶۱؛ مراغه‌ای، العناوین، ۲، ۶۶۷)

۶) روایات مختلفی که از آنها مشروعیت عبادات کودک فهمیده می‌شود.

الف) روایاتی که بر جواز امام جماعت شدن کودک دلالت دارد. معتبره غیاث بن ابراهیم از امام صادق (ع) که فرمود: «لا باس بالغلام الذی لم یبلغ الحلم ان یوم القوم.»

«امامت جماعت برای کودکی که به سن بلوغ نرسیده اشکالی ندارد.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۵، ۳۹۷)

شیخ طوسی در الخلاف امامت جماعت را برای کودک مراهق (نزدیک سن بلوغ) و ممیز اجازه داده و می‌فرماید: «کودک ممیزی که نزدیک سن بلوغ می‌باشد می‌تواند در نمازهای واجب و حتی نمازهای مستحبی که به جماعت خوانده می‌شود مانند نماز عید فطر یا نماز استسقاء امام شود.» (طوسی، الخلاف، ۱، ۵۵۳)

علامه حلی در تذکره الفقهاء نیز همین نظر را پذیرفته است. (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۴، ۲۷۷)

جواهرالکلام در این زمینه می‌نویسد: «بنابر قول مشهورتر چنانچه مأمومین بالغ باشند امام نیز باید بالغ باشد ولی اگر مأمومین بالغ نباشند، امام می‌تواند کودک غیربالغ نیز باشد؛ زیرا ظن قوی بر مشروعیت عبادات صبی وجود دارد و ادله نیز این مطلب را ثابت می‌کند.» (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳، ۳۲۵-۳۲۷)

ب) روایات مربوط به صلاه و روزه کودک

«إذا اتى على الصبي ست سنين وجب عليه الصلاه و اذا اطاق الصوم وجب عليه الصيام.»
 «هرگاه کودک به شش سالگی رسید، نماز بر او واجب است و آنگاه که توان روزه گرفتن داشت، روزه نیز بر او واجب خواهد بود.»
 آیت‌الله خوانساری در مورد این روایات می‌فرماید: «ظاهر این روایت مطلوبیت و مشروعیت صلاه و صوم کودک را همان گونه که در مورد بالغین وجود دارد، نشان می‌دهد. البته از آنجا که تکالیف با بلوغ واجب می‌شوند این گونه تکالیف بر کودک واجب نخواهند بود.» (خوانساری، جامع المدارک، ۲، ۱۹۱)

ج) روایاتی که درباره وقف کردن، صدقه، وصیت و ... آمده است.

مانند روایت: «إذا اتى على الغلام عشر سنين فانه يجوز في ماله ما اعتق او تصديقاً و اوصى على حد معروف و حق فهو جاز.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۳، ۳۲۱)
 محقق بحرانی بعد از نقل این روایات می‌فرماید: «ظاهراً دلیل اذن دادن شارع مقدس به کودک برای صدقه، وقف و امامت به جهت ترتب ثواب برای این اعمال و در نتیجه شرعیت و مشروعیت آنهاست.» (بحرانی، الحدائق الناضره، ۱۳، ۵۵)

آیت‌الله خوانساری نیز همین مطلب را پذیرفته است. (خوانساری، جامع‌المدارک، ۲، ۱۹۱)
 از این دسته روایات فهمیده می‌شود که برخی از احکام در حق کودک صادر شده و با عنوان صبی وارد شده و در حق او مصلحت دارد و خود صباوه و کودکی در این روایات مورد حکم قرار



گرفته است؛ پس این دسته روایات نشان می‌دهند که کودکان مورد احکام و تکالیف مستحبی قرار دارند و همین مطلب موضوعی است که درصدد اثبات آن بودیم.

۷) حکم عقل:

عقل انجام برخی واجبات را در حق همه افراد واجب می‌داند و فرقی بین بالغ و غیربالغ نمی‌داند. مانند: حفظ جان، رد امانت و ... همچنین هرکس این واجبات را اتیان کند مستحق پاداش است چه سن او به سن بلوغ رسیده باشد یا مقداری از این سن کم باشد. بنابراین کودک غیربالغ در ازای انجام این واجبات مستحق پاداش و ثواب می‌گردد و از این مطلب مشروعیت و استحباب این واجبات در حق کودک اثبات می‌شود و چون نمی‌توان در استحباب داشتن بین واجبات تفاوت قائل شد، باید گفت که همه واجبات در حق کودک استحباب دارد. (بجنوردی، القواعدالفقهیه، ۱۱۵، ۴؛ مراغه‌ای، العناوین، ۲، ۶۶۷)

به این حکم عقلی ایراد وارد شده و آن اینکه اگر کودک به حکم عقل در برابر اتیان واجبات مستحق پاداش ثواب است بنابراین باید به حکم عقل در برابر انجام امور حرام و ممنوع مانند ظلم یا قتل نفس مستحق عذاب و عقوبت باشد درحالی‌که می‌دانیم شرعاً کودک تا رسیدن به سن بلوغ مستحق مجازات و عذاب و عقوبت نیست پس همان‌طور که حکم عقل در مجازات و عذاب کودک به حکم شرع مردود و غیرقابل قبول است پس حکم به اجر و ثواب او در قبال انجام واجبات و تکالیف نیز مردود و غیرقابل قبول بوده و بنابراین چون عبادات و واجبات برای کودک اجر و پاداش و ثواب ندارد بنابراین مشروعیت و استحباب هم نخواهد داشت. (فاضل‌لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۶۵)

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت: بله به حکم عقل کودکی که مرتکب امور حرام و ممنوع گردد قابل مجازات و مستحق عذاب است. اما شرع تا سن بلوغ از روی لطف و امتنان این عذاب و عقوبت را از او برداشته است، همانگونه که انسان بالغی که مرتکب امورحرام و گناه می‌شود مستحق مجازات است اما خداوند در قبال انجام برخی امور مانند گریه بر حضرت سیدالشهداء(ع) عذاب را از او بر می‌دارد. (بجنوردی، القواعدالفقهیه، ۱۱۵، ۴)

۸) قاعده لطف:

روشن است که لطف خداوند اقتضاء می‌کند که عبادات کودک بدون پاداش و ثواب نباشد، پس اگر کودک عمل نیکی را به قصد قربت به خداوند انجام دهد و خداوند او را از ثواب آن محروم کند، خلاف لطف خواهد بود.

تا اینجا هشت دلیل از دلایل مشروعیت عبادت را بررسی کردیم که با توجه به آن ادله و نظرات فقهای محترم شیعه به این نتیجه می‌رسیم که عبادات کودکان مشروعیت دارد و صحیح است و مستحق پاداش و ثواب می‌باشد.

نظریه دوم: عبادات کودک تمرینی است:

این نظریه، نظریه دوم از سه نظریه‌ای است که در ابتدای مقاله ذکر کردیم؛ گرچه ما قول اول را با ادله کافی ثابت کردیم ولی خوب است در ادامه نظریات دیگر و ضعف آنها را نیز مورد بررسی قرار دهیم؛ نظریه دوم این است که عبادات کودک تمرینی است بنابراین کودک در برابر انجام تکالیف و واجبات هیچگونه ثواب یا پاداشی از خداوند دریافت نمی‌کند اگرچه ولی کودک، ثواب تمرین دادن او را دارد.

علامه حلی در مختلف الشیعه می‌نویسد: «قول بهتر آن است که روزه گرفتن کودک به جهت تمرین است و هیچگونه مندوبیتی ندارد.» (حلی، مختلف الشیعه، ۳، ۲۵۶؛ ابن ادریس، السرائر، ۱، ۳۶۷)

شهبیدثانی نیز در مسالک همین نظر را پذیرفته و می‌فرماید: «مشروعیت داشتن روزه کودک قابل قبول نیست. زیرا خطابات تکالیف به بالغین تعلق می‌گیرد و نظر صحیح آن است که عبادات کودک تمرینی است و شرعی نیست.» (شهبیدثانی، مسالک الافهام، ۲، ۱۵)

قربان به مضمون این عبارت در روض الجنان و جامع المقاصد نیز آمده است. (شهبیدثانی، روض الجنان، ۲، ۷۶۱؛ کرکی، جامع المقاصد، ۳، ۸۲)

ایضاح الفوائد نیز قول به عدم صحت روزه کودک را تقویت کرده است. (فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ۱، ۲۴۳)

صاحب حدائق الناضره روزه کودک را صحیح نداشتته همانطور که روزه مجنون به دلیل عدم



قصد صحیح نیست. (بحرانی، حدائق الناضره، ۱۳، ۱۶۵)

در جواب این بیانات می‌توان گفت: ادله‌ای که قبلاً بر شرعی بودن عبادات آورده‌ام کاملاً منظور ما را ثابت کرد. بنابراین این سخنان نمی‌تواند در برابر ادله بسیار و اظهارات فقها در گروه قبل قابل قبول باشد مگر آن که ادله‌ای برای تمرینی بودن عبادات کودک وجود داشته باشد. بنابراین بهتر است به بررسی ادله این گروه بپردازیم تا ببینیم آیا قابلیت معارضه با ادله گروه اول را دارد یا خیر؟

ادله مربوط به نظریه تمرینی بودن عبادات اطفال:

۱) صحت عبادات کودک نیازمند امر شارع مقدس است و اصل این است که امر به عبادات کودک تعلق نگرفته است. (فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۵۹؛ نراقی، مستندالشیعه، ۱۰، ۳۳۳) این دلیل پذیرفته نیست زیرا طبق ادله صحت عبادات کودک اثبات شد که عبادات کودک دارای اوامر استحبابی می‌باشد و به عنوان اعمال مستحبی برای کودک ثابت است.

۲) حدیث رفع القلم (رفع القلم عن الصبی حتی یحتلم) که شامل برداشته شدن تمام افعال و تکالیف از کودک می‌باشد چه تکالیف وجوبی و چه استحبابی. (عاملی، مدارک الاحکام، ۶، ۴۲) به این استدلال نیز همان پاسخ قبلی را می‌توان داد و آن اینکه چون اثبات شد تکالیف شرعی با اوامر ندبی در حق کودکان ثابت شده و مشروعیت دارد بنابراین حدیث رفع القلم شامل اوامر و تکالیف استحبابی نیست؛ بلکه فقط اوامر وجوبی و نواهی تحریمی را در بر می‌گیرد.

همچنین علاوه بر جواب فوق می‌توان دو جواب دیگر نیز به این حدیث در باب استحباب تکالیف در حق کودکان داد.

اولاً: حدیث رفع القلم امتنانی بوده و از باب لطف به اطفال و کودکان است درحالی که پذیرفته نشدن اعمال مستحبی از کودکان و محروم کردن آنها از ثواب و پاداش خلاف امتنان است. (خویی، مصباح الفقاهه، ۳، ۲۴۲)

ثانیاً: ممکن است منظور از حدیث رفع القلم، رفع مجازات و عقوبت از افعال و کارهای ناپسند کودکان باشد و رفع استحباب و اجر و پاداش را شامل نشود. همانطور که در حدیث غدیر نیز آمده



است خداوند قلم را از محبین اهل بیت (ع) برداشته است و منظور آن برداشته شدن مجازات و عقوبت می باشد. (نراقی، مستندالشیعه، ۱۰، ۳۳۵)

۳) تکالیف مشروط به بلوغ است پس چون شرط یعنی بلوغ نباشد مشروط یعنی تکلیف نیز منتفی خواهد بود. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۳، ۲۵۶؛ نراقی، مستندالشیعه، ۱۰، ۳۳۳) جواب این استدلال نیز قبلاً گفته شد یعنی تکالیف وجوبی مشروط به بلوغ است ولی تکالیف استحبابی شامل غیر بالغین نیز می شود.

۴) روایتی که بیان می دارد: افعال عمدی کودک مانند خطا است. (وسایل الشیعه، ۱۹، ۳۰۷) جواب این استدلال نیز قبلاً گفته شد و آن اینکه این روایت مربوط به جرایم و مجازاتها است. ۵) مندب الاحکام بر تمرینی بودن عبادات کودک ادعای اجماع کرده است. (مندب الاحکام، ۱۷۳، ۵) این استدلال نیز قابل قبول نبوده و اجماع مورد ادعا به دو دلیل مردود است: اولاً: این اجماع مدرکی بوده و کاشف از قول معصوم (ع) نیست.

ثانیاً: اصلاً اجماعی وجود ندارد چون مشهور فقهاء خلاف این نظر را دارند. معنی تمرینی بودن عبادات کودکان کسانی که قائل به تمرینی بودن عبادات کودک شده اند خود بر دو دسته می باشند:

گروه اول: عبادات کودکان را مانند بازی کودکان فرض کرده که هیچ پاداش یا ثوابی از سوی خداوند بر آن مترتب نمی شود و کودک هیچ نفعی از آن نمی برد؛ مگر اینکه بگوییم ولی کودک که او را تمرین به عبادت می دهد مأجور خواهد بود و مستحق ثواب و پاداش می شود. استدلال این گروه با ادله سابق رد شد و ضعف و بطلان آن ثابت گردید.

گروه دوم: مانند گروه اول معتقدند که عبادات کودک لغو و بی اثر است و ثوابی بر آن مترتب نمی شود؛ اما چون کودک در تمرین کردنش و پی گیری عبادات تلاش می کند از این جهت برای او ثواب در نظر گرفته می شود در این نظریه دو مبنا وجود دارد:

مبنای اول: به عبادات کودک امر تعلق نگرفته است و بنابراین مشروعیت ندارد؛ زیرا حدیث رفع القلم هر گونه تکلیف را از کودک رفع می کند.

مبنای دوم: اخبار بسیاری وجود دارد که دلالت بر استحباب تمرین کودکان و پیگیری عبادات



آمده است که این استحباب ذاتاً برای کودکان صادر شده و با حدیث رفع القلم نیز برداشته نمی‌شود زیرا حدیث رفع القلم بیان می‌دارد هر تکلیفی که مخصوص بالغین است از کودکان برداشته می‌شود. اما استحباب تمرین که مخصوص کودکان صادر شده را بر نمی‌دارد. بنابراین ثواب و استحباب تمرین وجود خواهد داشت اما اصل عبادت که مخصوص بالغین است برای کودکان ثابت نیست این استدلال نیز به نظر ما صحیح نیست.

زیرا چنان که گفتیم حدیث رفع القلم مشروعیت عبادات را از کودکان بر نمی‌دارد. البته وجوب عبادات را بر می‌دارد اما استحباب آن را رفع نمی‌کند و شامل مستحبات نمی‌شود. علاوه بر آن اگر مفاد حدیث رفع، برداشتن احکام و تکالیف استحبایی بود باید استحباب تمرین را هم منتفی می‌کرد. بنابراین تمرین هم استحباب نخواهد داشت. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۴، ۱۱۸-۱۲۰؛ فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیه، ۳۶۶-۳۶۷)

نظریه سوم: عبادات کودک صحیح است اما مشروعیت ندارد.

برخی از فقهاء این نظر را انتخاب کرده و معتقد شده‌اند که عبادات کودک صحیح است گرچه مشروعیت ندارد و نسبت به آنها امر صادر نشده است بنابراین آثار فعل و عمل صحیح بر آن بار می‌شود.

شهیدثانی در مسالک در باب روزه کودک ممیز می‌فرماید: «در صحت نیت کودک و صحت روزه اش هیچ اشکالی وجود ندارد. چون صحت از احکام وضعی است و متوقف بر صدور تکلیف نیست؛ اما اینکه این عبادت مشروعیت داشته باشد قابل تأمل است.» (شهیدثانی، مسالک الافهام، ۱۵، ۲)

هم ایشان در کتاب الروضه می‌فرماید: «عبادات کودک صحیح است زیرا از احکام وضعی است اما مشروعیت ندارد.» (شهید ثانی، الروضه البهیة، ۲، ۱۰۱-۱۰۲)

در توضیح این استدلال می‌توان گفت: احکام شرعی بر دو نوع وضعی و تکلیفی می‌باشد. احکام تکلیفی که به پنج دسته (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) تقسیم می‌شوند، نیاز به دستور شرعی دارند و بدون آن مشروعیت نخواهند داشت. بنابراین ثبوت استحباب برای عبادات



کودکان نیازمند دستور شرعی است و چون به نظر این گروه دستورات شرعی فقط مخصوص بالغین است به کودکان تعلق نمی‌گیرد.

احکام وضعی؛ احکامی هستند که نیازمند خطاب شرعی نیستند و در صورتی که صحیح واقع شوند؛ اثرشان ایجاد می‌شود. حال فرقی ندارد که از طرف بالغین ایجاد شود یا غیر بالغین. بنابراین اگر کودک مثلاً اقدام به روزه گرفتن کرد روزه او صحیح است؛ زیرا صحت از احکام وضعی است و اختصاص به مکلفین ندارد ولی این روزه مشروعیت شرعی نداشته و امر شرعی به آن تعلق نگرفته است. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۴، ۱۷۳؛ مصباح‌الاصول، ۳، ۷۸)

در بررسی این استدلال می‌گوییم این استدلال از دو بخش تشکیل شده که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد:

بخش اول: استدلال این است که عبادات کودک صحیح است چون صحت از احکام وضعی است شامل غیر مکلفین نیز می‌شود. این قسمت استدلال صحیح است و ادعای اجماع بر آن نیز شده است. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۴، ۱۷۳؛ مصباح‌الاصول، ۳، ۷۸)

علاوه بر این احکام وضعی عام است و شامل غیر بالغین و کودکان هم می‌شود. مثلاً این روایت پیامبر(ص) که فرمودند: «من احیا ارض مواتاً فهی له» (طوسی، تهذیب‌الاحکام، ۷، ۱۵۲؛ حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۷، ۳۲۷) «هر کس زمین مرده‌ای را زنده کند مالک آن خواهد بود.» مسلماً مالکیت که حاصل از احیاء موات است هم شامل بالغین و هم شامل کودکان خواهد بود.

و نیز این سخن پیامبر(ص) که فرمودند: «علی الید ما اخذت حتی تودیبه.» (ری‌شهری، میزان الحکمه، ۲، ۱۷۱۴) «هر کس چیزی را بدون وجه صحیح در اختیار بگیرد ضامن است تا آن را به صاحبش برگرداند.»

این روایت نیز نشان می‌دهد که اخذ موجب ضمان است؛ حال چه از بالغ صادر شود و چه از غیر بالغ. پس احکام وضعی شامل کودکان نیز می‌شود و این استدلال صحیحی است.

این سخن صحیح است و بر محققین ثابت است که احکام وضعی هم شامل بالغین و هم غیر بالغین می‌شود. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۴، ۱۷۵)



بخش دوم استدلال یعنی مشروعیت نداشتن عبادات کودک اشکال دارد. زیرا اولاً ادله‌ای که در بیان قول اول در مشروعیت نداشتن عبادات کودک و استحباب آنها گفتیم این ادعا را منتفی می‌سازد. ثانیاً این سخن به معنی عدم تلازم بین احکام وضعی و احکام تکلیفی است.

توضیح آن که چنان که قائل باشیم عبادات صبی صحیح است اما مشروعیت ندارد مفهوم آن این خواهد بود که حکم وضعی صحت بر آن بار می‌شود؛ ولی حکم تکلیفی استحباب بر آن حمل نمی‌گردد و این سخن به معنی عدم تلازم بین احکام وضعی و احکام تکلیفی است.

درباره این ادعا دو نظریه وجود دارد. نظریه اول که نظر مشهور فقها است این است که احکام وضعی مستقل نبوده بلکه از احکام تکلیفی انتزاع شده و گرفته شده است. (طوسی، نهاییه‌الاصول، ۱۰۱، ۱؛ تمهیدالقواعد، ۳۷؛ فاضل تونی، الوافیه، ۲۰۲؛ قمی، قوانین‌الاصول، ۲، ۵۴)

نظر دوم این است که احکام وضعی جعل و وضع مستقل دارند و هیچ ارتباط و تلازمی به احکام تکلیفی ندارند. (عاملی، مدارک‌الاحکام، ۴۲، ۶)

به نظر می‌رسد نظر اول یعنی انتزاع احکام وضعی از احکام تکلیفی صحیح است و بنابراین تلازم بین احکام وضعی و احکام تکلیفی وجود دارد.

در اثبات این مدعا به سخن شیخ انصاری استناد می‌کنیم ایشان می‌فرماید:

«صحت در عبادات به معنی موافقت فعل اتیان شده با آنچه شارع مقدس دستور داده، می‌باشد و فساد به معنی مخالفت فعل به بجا آورده با آنچه دستور شارع بوده می‌باشد پس این شارع است که صحت و فساد را جعل کرده و آنها را با امر شرعی (امر وجوبی یا استحبابی) موافق باشد متصف به صحت و در غیر این صورت باطل خواهد بود.

بنابراین همانطور که بدون تحقق مأموره نمی‌توان حکم به صحت داد به همین صورت نمی‌توان بدون مشروعیت عبادت قائل به صحت آن شد. پس صحت و مشروعیت با هم متلازم هستند و قابل جداسازی از هم نمی‌باشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به استدلال‌های مطرح شده نظریه مشهور فقهای شیعه مبنی بر مشروعیت داشتن



عبادات کودکان و ثبوت استحباب شرعی برای این عبادات قابل قبول است زیرا:

۱- عموماً و اطلاقات تکالیف شامل غیربالغین نیز می‌باشد و تخصیص یا تقییدی در این عموماً و اطلاقات نسبت به بالغین ثابت نیست البته تخصیص در تکالیف الزامی نسبت به بالغین وجود دارد اما تکالیف استحبابی مختص به بالغین نبوده و کودکان را نیز شامل می‌شود.

۲- عموماً و اطلاقات غیرتکلیفی و مواردی که دلالت بر ترتب ثواب دارند و مواردی که مستقیماً دلالت بر امرکردن کودکان به نماز و روزه دارند و ... تأیید می‌کنند که عبادات کودکان دارای امر شرعی بوده و مشروعیت و استحباب برای آن ثابت است.

۳- برخی روایات مستقیماً به مشروعیت و استحباب عبادات کودک اشاره دارند؛ این دسته روایات و روایات دیگر که مستقیماً در آنها به کودک اشاره شده به گونه‌ای قوی‌تر و محکم‌تر مشروعیت عبادات کودک را ثابت می‌کنند؛ زیرا این دسته از روایات دقیقاً به موضوع کودک پرداخته و در همین رابطه صادر شده و در آنها نیاز به اثبات تخصیص یا عدم تخصیص به بالغین مانند موارد قبلی نیست؛ از جمله این روایات روایت جواز امامت جماعت کودک و نیز امر به اتیان نماز و روزه درباره کودکان می‌باشد.

۴- پذیرفته شدن عبادات کودکان و مشروعیت آنها مطابق با قاعده لطف و مورد پذیرش عقل بوده و برعکس پذیرفته نشدن و عدم مشروعیت خلاف لطف و امتنان است و مستلزم این است که سعی و تلاش کودکان ضایع شده و آنها هیچ پاداشی در این باره دریافت نکنند، این مطلب نیز خلاف صریح آیات قرآن و روایات می‌باشد.

۵- همانگونه که برخی امور حقوقی کودک مانند صدقه، هبه، وقف و غیره در مورد کودکان پذیرفته شده و صحیح واقع می‌شود می‌توان گفت: با توجه به دلالت ادله عبادات کودکان نیز مورد قبول واقع شده و مشروعیت دارد.

فهرست منابع:

۱- قرآن کریم.

۲- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، السرائر، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ ه.ق، چاپ دوم.

- ۳- بجنوردی، محمدحسن، **القواعد الفقهیه**، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹هـ.ق، چاپ اول.
- ۴- بحرانی، یوسف، **الحدائق الناضره**، جماعه المدرسين، قم، بی تا.
- ۵- حرعاملی، محمد بن الحسن، **وسایل الشیعه**، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ هـ.ق، چاپ دوم.
- ۶- خوانساری، سید احمد، **جامع المدارک**، ناشر: مکتبه الصدوق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۵هـ.
- ۷- خویی، ابوالقاسم، **مصباح الفقاهه**، انتشارات قدیر، نجف، ۱۳۷۱ هـ.ش، چاپ سوم.
- ۸- _____، **مبانی منهاج الصالحین**، انتشارات مهر، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق، چاپ دوازدهم.
- ۹- شهیداول، محمد بن مکی، **اللمعه دمشقیه**، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۱هـ.ق، چاپ اول.
- ۱۰- _____، **الدروس الشرعیه**، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۲هـ.ق، چاپ اول.
- ۱۱- شهیدثانی، زین الدین بن علی، **روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان**، ناشر: مؤسسه آل البيت، چاپ سنگی، ۱۴۰۴هـ.ق.
- ۱۲- _____، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه**، انتشارات داوری، قم، ۱۴۱۰هـ.ق، چاپ اول.
- ۱۳- _____، **مسالك الافهام**، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق، چاپ اول.
- ۱۴- طباطبایی حکیم، سید محسن، **حقائق الاصول**، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۰۸هـ.ق، چاپ پنجم.
- ۱۵- طوسی، محمد بن الحسن، **تهذیب الاحکام**، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵هـ.ش، چاپ چهارم.
- ۱۶- طوسی، محمد بن الحسن، **الخلافا**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق، چاپ اول.
- ۱۷- _____، **المبسوط**، المکتبه المرتضویه، بی جا، ۱۳۸۷هـ.ق.
- ۱۸- _____، **النهایه**، دارالاندلس، بیروت، بی تا.
- ۱۹- عاملی، سید محمد، **مدارک الاحکام**، انتشارات مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۰هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۰- عاملی، سید محمد جواد، **مفتاح الکرامه**، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۹هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۱- عراقی، آقاصیاء، **نهایه الافکار**، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۵هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۲- علامه حلی، حسن بن یوسف، **تحریر الاحکام**، مؤسسه امام الصادق (ع)، قم، ۱۴۲۰ هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۳- _____، **تذکره الفقهاء**، مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، قم، بی تا.
- ۲۴- _____، **منتهی المطلب**، ناشر: حاج احمد، تبریز، بی تا.

- ۲۵- فخرالمحققین، محمدبن الحسن، **ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد**، ناشرآیت الله محمود شاهرودی، ۱۳۸۷هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۶- کرکی، علی بن حسین، **جامع المقاصد**، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۷- کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ هـ.ق، چاپ سوم.
- ۲۸- محقق داماد، سید محمد، **کتاب الصلاه**، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۵هـ.ق، چاپ اول.
- ۲۹- محقق حلی، جعفر بن الحسن، **شرايع الاسلام**، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹هـ.ق.
- ۳۰- _____، **مختصر النافع**، مؤسسه البعث، تهران، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۳۱- مراغه‌ای، میرعبدالفتاح، **العناوین**، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷هـ.ق، چاپ اول.
- ۳۲- نجفی، محمدحسن، **جواهرالکلام**، دارالکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ هـ.ش، چاپ سوم.
- ۳۳- نراقی، احمد، **مستند الشیعه**، مؤسسه آل البيت، مشهد، ۱۴۱۵ هـ.ق، چاپ اول.



